



۲۰۱۷/۱۱/۰۴



دکتور محمد نعیم اسد

آیا سیاست پولی، بانکداری و نظارت بانک در افغانستان مؤثر اند؟

این مقاله قبلاً بر اساس مکمله ای پرمحتوا و همه جانبه دانشمند محترم آقای محمد ظریف امین یارتهیه شده که بتاريخ 28 دسامبر 2015 در باره « ما نیاز به باز سازی مجدد در بانک مرکزی داریم» تحریر شده بود ومورد مورد علاقه زیاد این جانب قرار گرفت. در این مقاله نه تنها باز سازی د افغان نستان بانک، بلکه بازسازی و اصلاحات سایر عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که بالای بازنگری د افغانستان بانک ضروری میباشد، به صورت خلاصه و موجزمورد بحث قرار گرفته است. این قلم می کوشد تا بعضی عواملی دیگری را که هم در بازنگری د افغانستان بانک سهم بارز دارند و دانشمند محترم آقای امین یار نسبت طوالت موضوع از آن صرف نظر کرده است، برای معلومات مزید خوانندگان گرامی پورتال وزین افغان جرمن آن لاین عرضه دارد. قسمت اول این مقاله بتاريخ 22.06.2016 در پور تال وزین افغان جرمن آن لاین به چاپ رسید واما قسمت دوم از چاپ باز ماند (شاید نسبت مشکلات تخنیکي). به سبب اینکه چندی قبل یکنامه سرگشاده درباره مسایل پولی و یک مقاله توسط دکتور آجان مرزی بتاريخ 23.10.2017 در باره «انفلاسیون و رابطه میان ارزش داخلی وخارجی پول»¹ تحریر گردید، این قلم خواست تا این مقاله دوباره به چاپ رسد، زیرا که مکمله آن قسمت مقاله داکتر مرزی است که در باره افغانستان تحریر شده است.

قابل یاد دهانی است که جناب پوهنوال دکتور محمد انور شبان، استاد ورزیده سابقه دار پوهنخی اقتصاد کابل و این قلم بصورت مشنرک یک کتاب درسی تحت عنوان «امکانات استفاده از نظریات و سیاست پولی بانکداری در افغانستان» چاپ اول 1996 و چاپ دوم 1997، پشاور، تألیف کردیم که مدت زیاد به حیث کتاب درسی در پوهنخی های اقتصاد افغانستان مورد استفاده قرار گرفته و هنوز هم می گیرد و حتی دراین اواخر از طرف آقای شیرخان حساس به پشتو ترجمه شده است، نظریه شرایط موجوده آن زمان افغانستان یک سلسله پیشنهادات در قسمت اصلاح پولی، باز سازی بانکها و سایر مسایل اقتصادی افغانستان به صورت فشرده نظریات و پیشنهاداتی به عرض رسیده است. مزید بر آن از طرف این قلم یک تعداد مقالات درباره بحران کابل بانک، مشکلات د افغانستان بانک به حیث بانک مرکزی و امکانات تأسیس بانک های انکشافی در افغانستان در پورتال وزین و فخیم افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده است.

باساس تجارب حاصله این قلم چندین بار یاد آور شده است که قانون دافغانستان بانک و قانون بانکداری افغانستان با رعایت شرایط موجوده افغانستان اولتر از همه مورد بازنگری قرار گیرد. زیرا قوانین متذکره چوکات اساسی سیاست، پولی، سیاست بانکی، نظارت بانکی ومعاملات بانکی را تشکیل میدهد. زیرا یک تعداد علل بحران بانکی در عدم شفافیت قوانین وامکان فراهم آوری سوء استفاده از قوانین متذکره می باشد.

1 - سیاست پولی

¹ http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/marzai_a_ertebat_mian_arzesh.pdf

سیاست پولی عبارت از جمیع اقداماتی اند که غرض استقرار ارزش داخلی و خارجی پول ملی یک کشور با رعایت همسویی با اهداف رشد اقتصاد، استخدام کامل و مواز نه بیلاس تأدیبات از طرف عاملین پولی دولت و بانک مرکزی اتخاذ می شود.

د افغانستان بانک طبق جزء 2 فقره (2) ماده هشتم مکلف به « تطبیق سیاست های پولی و تنظیماتی به شمول سیاست ثبات قیمت های داخلی» می باشد.

درفقره (3) ماده سوم در باره استقلال و خود مختاری د افغانستان بانک، قانون د افغانستان بانک می نویسد: «د افغانستان بانک به منظور تحقق اهداف خود مطابق احکام این قانون دارای استقلال کامل بوده و هیچ کس نمی تواند اعضای هیأت تصمیم گیرنده را در انجام وظایفی که بعهده دارند، تحت تأثیر ناجایز قرار داده و یا طور دیگری در فعالیت های د افغانستان بانک مداخله نماید». طبق فقره (4) همین ماده «اعضای شورای عالی، هیأت عامل بانک (رئیس عمومی و معاونین) و سایر کارمندان د افغانستان بانک مکلف اند وقار و شهرت د افغانستان بانک را به حیث بانک مرکزی و دارنده استقلال کامل که بیطرفانه در خدمت تمام مردم قرار دارد، رشد و تقویه نمایند و از عمل مغایر آن اجتناب ورزند». اما طوریکه تجربه نشان داده است، انتصاب اعضای هیأت عامل و بعضی اعضای شورای عالی به اساس تعلقیات سیاسی و تنظیمی به عمل آمده است. بنا بر عدم رعایت اصل استقلال و خود مختاری اعضای هیأت عامل قادر نبودند تضاد های قومی و تنظیمی که بین کارمندان وجود دارد از بین بردارند و در انجام وظایف نظارت بانکی، طوریکه بحران کابل بانک و پشتتی تجارتی به اثبات رساند، غفلت و سهل انگاری کردند. واضح است که این تضاد ها مؤثریت و مؤلدیت اداره بانک مرکزی را تضعیف نموده و باعث گردید تا دافغانستان بانک در تحقق یابی وظایف و اهداف خود نا توان باشد. طبق ماده چهارم «دافغانستان بانک مکلف است مستقیماً موجوده ذخیره پول رایج را اداره و پلان نشر را ترتیب و از عرضه کافی بانکوتها و سکه جهت تأمین نیازهای پولی اقتصادی افغانستان اطمینان حاصل نماید». در ماده چهل و یکم آمده است: «بانک نوتها و سکه های تحت دوران در حسابات دافغانستان بانک به عنوان بدیهی آن معامله می گردد. بانکوتها و سکه های ذخیره شده در خزانه د افغانستان بانک شامل این بدیهی ها نمی باشد». اینکه این دو ماده تاجه اندازه از طرف د افغانستان بانک تعمیل شده است، از تشریحات ذیل استخراج شده می تواند.

در این جای شکی نیست، که در دوره انتقالی در ساحه پول و بانکداری افغانستان تحولات زیادی بوجود آمد. اولین اقدام عبارت از اصلاح پولی سال 1381 بود، که مورد علاقمندی اهالی افغانستان قرار گرفت. زیرا در ابتدای دوره انتقالی در پهلوی پول افغانی که از طرف حکومت مرکزی نشر می شد، پول های غیر قانونی از طرف بعضی تنظیم های جهادی در مناطق مربوطه شان هم در چلند بود. مزید بر آن دالر امریکائی، روپیه پاکستانی و ریال ایرانی به حیث وسیله تبادل مورد استفاده قرار می گرفت، که به این طریق پول افغانی هویت ملی خود را به کلی از دست داده بود. بنابراین تعداد کثیری از هموطنان ما که شاهد سالهای جنگ و عدم ثبات اقتصادی در کشور بودند، اصلاح پولی را گام ارزش مند و نیک تلقی کرده از آن استقبال کردند.

اما جریان قسماً غیر کنترول شده ای تبادل پول جدید به پول کهنه، امیدواری و توقع آنها را به یأس مبدل نمود. این اصلاح پولی به ضرر پس انداز کنندگانی که در زمان صلح و آرامش مبالغ کوچکی برای روز مبادا پس انداز کرده بودند، به ضرر متقاعدین و به زیان قرضه هائی اعطا شده بانکهای آن وقت تمام شد؛ زیرا برای تبادل پس انداز ها و قرضه ها یک شاخصی (Index) که ممیز ارزش واقعی تبادل باشد، تثبیت نشد. به قرار نشرات آنوقت پیام مجاهد، یک قسمت پول های کهنه تبادل شده، بدون اینکه از بین برده شود، دو باره مورد تبادل قرار گرفت. این خود نشان می دهد که مبالغ بیشتر پول کهنه در برابر مبلغ پول جدید و اسعار تبدیل شده است. چنانچه پیام مجاهد در نشریه مورخه 12 جدی 1381، به اتکا به مصاحبه ای که این نشریه با آقای دکتر احدی رئیس عمومی آن وقت دافغانستان بانک داشت، نوشت، که د افغانستان بانک تا آن تاریخ که روز اخیر تبادل بود، مجموع پول کهنه را به هجده هزار میلیارد افغانی و پول های جدید را جمعاً به مبلغ سیزده هزار و یکصدوسی و چهار هزار میلیارد قلمداد کرد، پس متباقی پول های کهنه و تقلبی در برابر ذخایر اسعار خارجی دافغانستان بانک تبادل شده است. از این توضیحات بر می آید، که شاید در حدود 4,9 میلیارد پول های غیر قانونی و یا به قرار ادعای پیام مجاهد در اثر تقلب در تبادل به اسعار خارجی تبدیل شده باشد.

د پانو شمیره: له 2 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

به سبب اینکه عادت تأدیاتی به چک و حواله در افغانستان کم است، تثبیت اجزای حجم پول (M_1, M_2, M_3 و غیره)² داخل دوران در داخل افغانستان کار آسان نیست و فهمیده شده نمی تواند که در پهلوی پس اندازهای واحد های اقتصاد چه مبلغ دیگر به حیث ذخایر احتیاطی در نزد واحد های اقتصادی اندوخته شده اند. فهمیدن این موضوع برای تطبیق ابزار های سیاست پولی دارای اهمیت زیاد می باشد. قرار معلومات حاصله مشاورین خارجی د افغانستان بانک برای سهولت کار پول داخل دوران راکه در سال 1393 به 176 هزار میلیارد (بلیون) و 708 ملیون افغانی تخمین شده، به پول نقد و پس انداز تفکیک کرده اند و از دسته بندی بین المللی M_1, M_2, M_3 و صرف نظر شده است. در واقعیت پول داخل دوران قدرت خرید یا تقاضای بالقوه واحد های اقتصادی یک کشور را برای محصولات ملی ناخالص این کشور (در افغانستان محصولات ناخالص ملی در سال 1393 به 20 میلیارد و 400 ملیون افغانی تخمین شده است) در یک زمان حسابی (معمولاً یک سال) تشکیل میدهد. هری نظمى وىى تناسبى که در بین این دو پدیده بوجود آید، بالایی سطح قیم تأثیر می کند. در اکثر ممالک تغییر مقدار پول داخل دوران باساز تغییر محصولات ناخالص ملی شده و سیاست پولی بانک مرکزی هم به همین اساس گرایش داده می شود تا طبق آن استقرار و ثبات قیمت ها به وسیله بکار برد ابزار های سیاست پولی به وجود آید. از اینرو یک دسته بندی دقیق مقدار پول داخل دوران نظر به درجه تبدیلی آن به تقاضای بالقوه و احصائیه دقیق ساختمان حجم پول داخل دوران برای مقابله برای جلوگیری از تورم پولی یک امر ضروری می باشد. اینکه تا کدام حد احصائیه هائی حجم پول داخل دوران و محصولات ناخالص ملی افغانستان دقیق است و تأثیر ابزار سیاست پولی دافغانستان بانک (مانند استفاده از تغییر ذخایر الزامی، خرید و فروش اسعار، عرضه قرضه با استفاده از وسیله Tender (به ص 6 همین مقاله مراجعه شود) و عرضه اسناد سرمایه (Capital Notes ص 6) برای جذب مازاد سیالیت بانکها، ثبات ارزش افغانی تضمین می کند، انکشاف تورم پولی نه تنها کاهش یا فته، بلکه یک سیر ارتقائی را، طوری که بعداً توضیح می گردد، نشان میدهد. بنا بر آن دافغانستان بانک وظیفه دارد، تا مطابق ماده چهل قانون د افغانستان بانک به اساس یک مطالعه دقیق درباره موجود حجم پول داخل دوران و موجود پول های عاطل در کسه واحدهای اقتصادی داخل کشور یک ستراتیژی دقیق برای روز مبادا (Crash) ترتیب نماید، تا نشود با برداشت، عرضه و به جریان انداختن پول های فعلاً راکد (پول نگهداری شده در کسه ها و پس اندازها در حدود 38 میلیارد افغانی) در داخل افغانستان تورم پولی ئی به وجود آید که ضرر آن برای اجتماع و اقتصاد در حال رکود افغانستان غیر قابل تصور خواهد بود.

وقتی که در افغانستان از مبارزه با تورم پولی یا انفلاسیون صحبت می شود، باید بین ارزش داخلی افغانی (واحد پول ملی) و ارزش خارجی تفکیک قایل شد. ارزش داخلی افغانی عبارت از قدرت تبادل افغانی در داخل افغانستان می باشد، در حالی که ارزش خارجی افغانی وقتی تأمین می شود که ارزش رسمی تبادل افغانی در برابر اسعار مخصوصاً اسعار رهبر (دالر، پوند انگلیسی، ایرو و ین جاپانی و یا پول کتبی SDR)³ حفظ شود. ارزش داخلی و ارزش خارجی افغانی متمم و مکمل یکدیگر است؛ بی ثباتی یک باعث بی ثباتی دیگر می شود؛ اما وظایف هر کدام جداگانه است. طبق جزء (1) ماده دوم قانون د افغانستان بانک "هدف عمده د افغانستان بانک عبارت از تأمین و حفظ ثبات قیمت های داخلی است". فقره (2) ماده دوم به ارتباط حفظ ارزش داخلی می نویسد که "سایر اهداف دافغانستان بانک که تابع هدف اولیه آن می باشد، عبارت اند از حمایت سیالیت (نقدینگی)، قابلیت پرداخت دیون، فعالیت موثر سیستم مالی ثابت متکی بر اقتصاد بازار و تقو به سیستم پرداخت مصنون، سالم و مؤثر ملی". در جزء 2 فقره (2) در باره حفظ ارزش خارجی به صورت غیر مستقیم می نویسد: "نگهداری و اداره ذخایر رسمی اسعار خارجی".

² M_1 نظر به تعریف سیستم بانک مرکزی اروپائی عبارت از دوران پول نقد (بانک نوت ها و سکه ها) و دارائی های حساب جاری اند که روزانه قابل دست رسی می باشد و جمعاً بنام وسایل تأدیاتی مسمی اند. M_2 عبارت است از M_1 جمع اماناتی که مدت انقضا و یا بسر رسیدن الی دو سال و پس اندازها و امانات میعاد الی سه ماهه می باشد، گرچه بندش یا تبدیلی این پول ها یک مدتی را در بر میگیرد؛ اما با پرداخت یک جریمه نقدی زودتر به وسایل تأدیاتی تبدیل شده م توانند. M_3 متشکل از M_2 و اسناد سرمایه گذاری نی بازار پولی، و اسناد قرضه ئی که میعاد بسر رسیدن آن الی دو سال می باشند. تبدیل این اسناد به پول نقد تابع مقررات بازار پولی بوده و اندازه ربح می باشد.

³) Special Drawing Right

د پانوی شمیره: له 3 تر 13

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ارزش داخلی و ارزش خارجی متضاد هم دیگر نبوده بلکه متمم و مکمل همدیگر اند. بی ثباتی در یک ارزش باعث بی ثباتی ارزش دیگر می شود.

آقای امین یار خود می نویسد که "بانک مرکزی کشور در طی چهارده سال گذشته نتوانست نقش های یک بانک مرکزی فعال و مؤثر را انجام دهد و بیشتر بعنوان یک نهاد منفعل، همواره نظارت گر قرار گرفته است". این موضوع در این اواخر در اکثر رسانه ها هم مطرح بحث قرار گرفته و به نحوی از انحا مورد تایید قرار می گیرد. در حالی که در افغانستان بانک در آثار منتشره نی خود از استقرار ارزش افغانی صحبت می کند. برای یک قضاوت آفاقی بهتر است موضوع استقرار ارزش افغانی، موازی به تحلیل قبلی، به اساس تفکیک ارزش داخلی و ارزش خارجی افغانی مورد مطالعه قرار گیرد، شاید واضح گردد که کدام یک از این ارزش ها دارای یک استقرار نسبی یا استقرار تصنعی بوده است. برای سهولت موضوع کوشش می شود تا اولتر حفظ ارزش خارجی یا نرخ تبادل افغانی به اسعار خارجی مورد مطالعه قرار گیرد. مطابق به ماده سی سوم قانون د افغانستان بانک "پول رایج و واحد پولی افغانستان" افغانی و علامه آن "Af" می باشد. اما ارزش افغانی در این قانون تعیین نشده است. برعکس در ماده اول «قانون پول و بانکداری دولت اسلامی افغانستان» سال 1373 خورشیدی ارزش پول افغانی معادل 0,000167 گرام طلای خالص و یا معادل 0,00141 واحد (Special Drawing Right- SDR) حق برداشت خاص تعیین و به صندوق وجهی بین المللی اطلاع داده شده است⁴، پس فرض می شود که شاید روحیه و متن ماده اول قانون متذکره از طرف وزارت مالیه و دافغانستان بانک مورد قبول قرار گرفته شده باشد؛ اینکه به کدام اساس قیمت رسمی فعلی یک دالر معادل 45,80 و یا 50 افغان شده است، نمی دانم. هرگاه بعضی دانشمندان محترمی که در این باره دارای معلومات موثقت باشند، لطفاً این قلم را کمک نمایند. هرگاه نرخ رسمی تبادل افغانی بین 45,80 و 50 افغانی فی دالر فرض شود، این ارزش تقریباً الی اوایل خروج تعداد کثیری کارمند ان و عساکر آیساف و کارمندان موسسات خارجی از طرف د افغانستان بانک به همین سطح حفظ شده است. بعد از جریان سال 2014 الی حال آهسته آهسته ارزش تبادل دالر در بانکها و صرافی ها در برابر افغانی صعود نمود است. استقرار نسبی ارزش افغانی بین 45,80 و 50 افغانی فی دالر یک ارزش واقعی تبادل که به اساس ارزش ذاتی محصولات ناخالص ملی بنا یافته باشد، نبوده بلکه یک ارزش مصنوعی است که در اثر سرازیر شدن عواید اسعاری عساکر آیساف، کارکنان خارجی و معاونت های بانک جهانی در قسمت معاشات دالری افغانستان و بالاخره لیلام ماهانه دالر دافغانستان بانک به بانکها و صرافی های افغانستان بوده است. مصنوعی روی این دلیل که تقاضای دالری برای واردات و انتقالات دالر به خارج از افغانستان (به هر دلیلی که بوده) از همین مدرک رفع می شد و اساس اقتصاد تولیدی ملی نداشت. به عبارت دیگر قدرت اقتصادی افغانستان به پیمانہ نی نبود و نیست که باعث تحرک تقاضای خارجیان به پول افغانی گردد (غرض خرید و کسب تولیدات افغانی). البته تا وقتیکه تقاضای تجار افغانی به دالر غرض کسب محصولات وارداتی بلند بوده و بالنتیجه کسر بیلانس تجارت افغانستان رو به افزایش باشد، کاهش و یا سقوط ارزش خارجی افغانی هم ادامه پیدا می کند.

هرگاه قیمت چند قلم مصرفی مواد اولیه بین سال های 1381 و 1390⁵ مقایسه شود، سیر افزایش قیمت ها تخمین شده می تواند. مثلاً

اجناس مواد اولیه	به تاریخ 27 سنبله 1381 به افغانی ¹	به تاریخ 22 ثور 1390 به افغانی ²	اول جدی 1394 و فیصدی افزایش قیمت ها به اساس 1381 ²
			1394 به افغانی %
ارد گندم فی سیر (7کیلو)	80	150	187,5
برنج اعلی فی سیر	200	372	180,0

⁴ این قانون پول و بانکداری رونویس «قانون پول و بانکداری اولین جمهوریت افغانستان افغانستان است که ارزش افغانی در ماده اول آن معادل 0,0197482 گرام طلای خالص و یا معادل 0,0222 واحد حق برداشت خاص SDR تثبیت شده است.

⁵ به اساس معلومات شخصی هنگام اقامت در کابل و نشریه شماه 45 جوزای سال 1385 اداره احصائیه مرکزی جمهوری اسلامی

315,0	630	500	200	لو بیا فی سیر
700,0	350	320	50	بوره فی سیر
280,0	140	100	50	پیاز فی سیر
338,9	350	300	90	گوشت فی کیلو
56,9	37	58	65	تیل دیزل فی لیتر
69,2	45	58	65	تیل پترول لیتر
437,5	350	200	80	برنج شله ئی فی سیر
714,3	100	70	14	چوب سوخت بی سیر
1.050,0	210	105	20	نمک فی سیر
266,7	120	120	45	کچالوفی سیر
500,0	300	240	60	گوشت گاو فی کیلو
833,3	500	600	60	روغن نباتی فی قطی
				1 / در سال 81 اصلاح سه صفر افغانی رعایت شدهاست. 2 / معلومات شخصی از بازار

گرچه این احصائیه کاملاً ساده بوده و مطابق به روش احصائیه قیمت ها نمی باشد. با آنهم این معلومات دارای جنبه نسبی می باشد. به اساس معلومات احصائیه مرکزی قییم در ماه ثور 1385 به اساس 1382 یک سیر صعودی را نشان میدهد. چنانچه قیمت های گندم به 128,1%، گوشت گوسفند 120,7%، گوشت گاو 120,7 و روغن 111,6% ارتقا یافته است. مقایسه شود: تشریه شماره 45 جوزای 1385 اداره احصائیه مرکزی جمهوریت اسلامی افغانستان

با در نظر داشت افزایش قیمت مواد غذائی در جهان و کاهش قیمت دیزل و بنزین و ساده بودن سنجش فیصد افزایش قیمت، با آنهم نمی توان از کاهش قدرت خرید افغانی و یا موجودیت یک تورم پولی در افغانستان انکار کرد. به این طریق می توان گفت که نه تنها ارزش خارجی افغانی، بلکه ارزش داخلی و با قدرت خرید افغانی هم به مقایسه قبل سال قبل از تأسیس دولت جمهوری افغانستان کاهش چشمگیری یافته است و این یکی از علل عمده غربت و افزایش ارتشا و فساد اداری می باشد. پس این ادعا که افغانی به مقایسه سایر اسعار معتبر مانند دالر، ایرو و پوند ارزش خود را حفظ کرده عاری از حقیقت است. زیرا در یک اقتصاد ملی دارای اضافه واردات و یا کسر بیلانس تجارت، تاچیز بودن رشد محصولات ناخالص ملی، بلند بودن رشد حجم دوارن پول به تناسب محصولات ناخالص ملی (افزایش حجم پول داخل دوران از هجده هزار میلیارد افغانی درجی سال 1381 به یک صد و هفتاد و شش هزار هفتصد و هشت میلیارد افغانی در سال⁶ 1392 بالغ می گردد، که طور اوسط سالانه یک رشد تقریباً 16,1 میلیارد را نشان میدهد. سوال این جااست که آیا رشد محصول ناخالص ملی⁷ در افغانستان هم به همین اندازه بوده است؟ واضح است که نه. به اساس معلومات پورتال وزین افغان جرمن آن لاین تاریخ 25.12.2015 که منبع آن صدای امریکا می باشد، محصولات ناخالص ملی افغانستان را در سال 2014(1393) به بیست میلیارد و چهارصد میلیون دالر (نه صد و سی و چهار میلیارد و سه صد و بیست میلیون افغانی)⁸ وانمود شده است. پس می توان ادعا کرد که عدم تناسب بین افزایش فیصدی حجم افغانی داخل دوران و فیصدی محصولات ناخالص ملی و افزایش مازاد واردات و یا کسر مزمن بیلانس تجارت (به اندازه هشت

⁶ قرار راپور سال 1392 دافغانستان باک

⁷ محصولات ناخالص ملی عبارت از مجموع فر آورده های یک اقتصاد ملی است که در طرف یک دوره معین (معمولاً یک سال) در داخل سرحدات یک کشور توسط باشندگان داخلی و خارجی آن تولید می شود.

⁸ از قرار یک دالر مساوی به نرخ رسمی 45,8 افغانی

د پانو شمیره: له 5 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

میلیارد و دوصد ملیون دالر)⁹ باعث افزایش تورم پولی شده است. در واقعیت از ابتدای به وجود آمدن جمهوریت اسلامی افغانستان تا حال یک تورم خزنده در کشور عزیز در جریان است. ناگفته نماند که خرید و فروش جابجاء های ثابت (خانه، سرای و زمین های زراعتی) به قیمت سرسام آور در شهر های بزرگ و انتقالات عواید فروش این جابجاء در خارج شامل محاسبه ما نیست، پس تاثیر تورمی آن خارج از این محاسبه می باشد.

در افغانستان نمی توان با کمک ابزار سیاست پولی با تورم خزنده پولی طور موثر مبارزه نمود. زیرا بیکاری مزمن، پائین بودن سطح تولیدات صنعتی، عدم انکشاف سیستم بانکداری، بازار پولی غیر فعال، فقدان بازار سرمایه، پائین بودن حجم قرضه در سرمایه گذاری تولیدی¹⁰، و بلند بودن عادات تادیاتی¹¹ نقدی در افغانستان، موثریت ابزار شناخته سیاست پولی را در افغانستان هم بی تاثیر ساخته است.

با آنهم د افغانستان بانک از سه ابزار ذیل سیاست پولی برای رسیدن به اهداف مختلفه بکار می اندازد:

- (1) فروش اسعار خاصاً دالر برای حفظ ارزش خارجی افغانی و حفظ ارزش رسمی دالر. یکی از موثرترین ابزار سیاست پولی د افغانستان بانک است که با فروش آن از حجم پول داخل دوران کاسته شده و طور مصنوعی استقرار ارزش پول ملی در برابر دالر حفظ میگردد (بدون این صعود ارزش افغانی ناشی از ازدیاد محصولات غیر خالص ملی باشد).
- (2) استفاده از وسیله Tender برای تمویل نیازمندی سیالیت بانک های تجاری. در این نوع معامله د افغانستان بانک اندازه پایه ربح را تثبیت کرده به بانک ها واگذار می شود تا با در نظر داشت این پایه ربح مبلغ مورد نیاز خود را از دافغانستان بانک تقاضا می کند. این وسیله در ابتدا (سال های 2004-1383- به بعد) از طرف دافغانستان مورد استفاده قرار گرفت.
- (3) فروش اسناد سرمایه (Capital Notes). با فروش اسناد سرمایه دافغانستان بانک می خواهد تا مازاد نقدینه بانک های تجاری را هفته وار جذب نماید. این اسناد دارای موعد سر رسید 28 روز (ماهانه)، 182 روز (شش ماهه) و یکساله می باشد. د افغانستان بانک مبلغ سی ملیارد و ششصد شصت و شش ملیون افغانی اسناد سرمایه را با پرداخت یک ربح در جریان سال مالی 1392 بفروش رسانیده است. مبلغ فروش اسناد متذکره الی ربع سوم سال مالی 1393 به اندازه سی و پنج ملیارد دوصد ملیون افغانی به بانکهای تجاری بالغ می شود.

Capital Notes یا اسناد سرمایوی اصطلاح خاص د افغانستان بانک است که تقریباً مشابه اسناد قرضه کوتاه مدت دولتی است که از طرف دولت برای تمویل رفع تنگای سیالیت بودجه دولت بنام اسناد خزانه (Treasury Bill) یاد می شود و موعد بسر رسید آن 30 روز می باشد. بر عکس اسناد سرمایوی، اسنادی اند که از طرف دافغانستان بانک غرض جذب مقدار حجم پولی مازاد بانکها به نشر میرسد. از نگاه سیاست پولی د افغانستان بانک با فروش آن امکان اعطای قرضه اضافی را توسط بانکهای

⁹ معلومات از پورتال وزین تاریخی 25.12.2015 افغان جرمن آن لاین که منبع صدای امریکا می باشد.

¹⁰ مراجعه شود به:

Summary Analysis of Condition an Performance of the Banking System as of Assad 1389 – August 2010

به اساس معلومات همین منبع مبلغ قروض داده شده بانکی در سال 1390 بالغ به 38 ملیارد می شود که سهم تجارت در آن 56%، قروض رهنی ساختمانی (حکمی و حقوقی) 42%، قروض تولیدی 3% میرسد. علت عمده پائین بودن قروض تولیدی همانا بلند بودن ربح قرضه بین 18 الی 30% سالانه و نبودن بانکهای اختصاصی انکشافی (زراعتی، صنعتی، تعمیراتی و موسسات قرضه کوپراتیف ها در افغانستان می باشد).

¹¹ گرچه در افغانستان سعی به عمل می آید تا معاش مامورین دولت و کارمندان موسسات خارجی از طریق بانکها تأدیه شود و بدین طریق معاملات نقدی آهسته آهسته به بتادیات غیر نقدی تعویض گردد؛ اما به نسبت پائین بودن مجموع مامورین دولتی سهم تادیات غیر نقدی به مقایسه معاملات نقدی به مراتب بیشتر می باشد.

د پانو شمیره: له 6 تر 13

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

تجارتی محدود می سازد، و به این طریق طور غیر مستقیم از افزایش حجم پول داخل دوران جلوگیری می کند. این اسناد دارای ربح بوده که فیصدی آن به این قلم معلوم نیست. پس میتوان گفت که اسناد سرمایوی Capital Notes یک ترکیب از اسناد بازار پولی (بانکها) و یک ابزار سیاست پولی است که غرض تغییر حجم داخل دوران از طرف د افغانستان بانک مورد استفاده قرار گرفته می تواند.

2 - سیاست بانکداری

سیاست بانکداری از نگاه اقتصاد ماکرو اکونومیک (Macroeconomic) عبارت مجموعه اقدامات و بانک مرکزی برای انکشاف بانک ها به منظور تجهیز اقتصاد پول وقرضه غرض رشد، تأمین سیستم مالی و جریان تأدیات در اقتصاد یک کشور اتخاذ می شود.

سیاست بانکی به مفهوم اقتصاد مایکرو اکونومیک (Microeconomic) عبارت از جمیع قواعد و اقداماتی اند که از طرف یک تصدی بانکی به منظور رسیدن به اهداف بانک اتخاذ می شود.¹²

د افغانستان بانک به نماینده ئی دولت در امور پولی و بانکداری طبق جزء 3 فقره (2) ماده هشتم مکلف به « سالم بودن سیستم مالی، بخصوص سیستم بانکی و پرداخت ها در افغانستان » است. به صورت عموم می توان گفت که سیستم بانکهای تجارتي افغانستان بین سال های 1383 - 1390 انکشافات مثبت و منفی را به عقب گذاشته اند.

1-2 انکشافات مثبت¹³

در ساحه بانکهای تجارتي انکشافات چشمگیری مثبت بوجود آمده است. چنانچه در بین سال های 1383 و 1390 به تعداد 17 موسسه مالی جوازنامه بانکداری را کسب نموده اند، که از آن جمله دو بانک دولتی، 10 بانک خصوصی و 5 فروع یا نمایندگی بانکهای خارجی اند. اکثر این بانک از طریق بازار یابی پُر مصرف و از طریق تشویق حسابات بخت توانستند مبالغ هنگفتی سپرده های ارز و حتی بدون مفاد (حسابات پس انداز بخت) را جلب نمایند. چنانچه سپرده های کابل بانک (سابقه) در اوایل سال های 1387 به 22,8 میلیارد (بلیون) افغانی و از عزیزی بانک به همین تاریخ به 7,8 میلیارد افغانی بالغ گردید ، که در سال های 1388 و 1389 این انکشاف ادامه پیدا کرد. سپرده های بخت در اثر تعهدات توزیع جوایز دلچسپ از طریق قرعه کشی مورد علاقه خاص واحد های اقتصادی قرار گرفته، چنانچه به اساس معلومات و گزارش کمپنی Ferguson کُل حسابات بخت کابل بانک سابقه در اخیر سال 2009 (10 جدی 1388) به 275,7 میلیون دالر بالغ گردید. جریان مبلغ زیاد فعالیت های خدماتی بانکی مانند انتقالات پولی (به شمول انتقالات سفید شویی)، اعطای قرضه هائی بزرگ (خلاف مقررات قانون بانکداری افغانستان)، سرمایه گذاری در جایداد ها (خریداری جایداد های ثابت در دوبي) انجام معاملات احتکاری (قرار معلومات کمپنی Ferguson) طوری انکشاف نمود که به بزرگترین بانک تجاری افغانستان ارتقا یافت.

تمام بانکهای خصوصی در انجام خدمات بانکی از وسایل الکترونیکی استفاده می کنند . نرم افزار های پُر قیمت پروسس محاسبات آن لاین بانکی به دسترس تمامی بانکهای تجارتي قرار دارد. انتقال پول به و از افغانستان از طریق S.W.I.F.T.¹⁴ و IBAN¹⁵ به عمل می آید که به این طریق تسهیلاتی زیادی برای تجار، سرمایه گذاران، و افراد غرض انتقالات پول فراهم شده است.

¹² محمد نعیم اسد < علم اقتصاد تصدی بانکی جلد دوم سیاست بانکی و مدیریت خطر، کابل 1391 از ص 16 به بعد

¹³ محمد نعیم اسد: علم اقتصاد تصدی بانکی، جلد سوم اقتصاد تصدی بانکداری، کابل 1393 از ص 281 به بعد

¹⁴) Society Worldwide Interbank Financial Telecommunication.

¹⁵) International Bank Account Number

د پانو شمیره: له 7 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی

در این مدت کوتاه بانک های خصوصی توانسته شبکه های بانکی را در کابل و سایر مراکز ولایت کشور توسعه بخشند و زمینه استفاده خدمات بانکی را برای تعداد زیاد مشتریان فراهم سازند. چنانچه کابل بانک (سابقه) دارای 68 نمایندگی بود که 28 نمایندگی آن در ولایات اجرای وظیفه می کردند. عزیزی بانک که در سال 2006 تأسیس گردید دارای 66 نمایندگی (27 در کابل و 39 در ولایات) و باختر بانک دارای 16 نمایندگی می باشد.¹⁶ البته موجودیت و نگهداری نمایندگی ها توأم با مصارف، خصوصاً مصارف اداری و تخنیکی می باشد که از خلال گزارش های حسابی تثبیت شده می تواند. در شکل ذیل خلاصه تسهیلات بانکی الی ماه اسد 1390 ارائه می شود:

تعداد	خدمات بانکی
173	نمایندگی ها با خدمات کامل
178	نمایندگی ها با خدمات محدودی
85	ماشین های خود کار صراف (نوع 22)
94	- سایر تسهیلات (نوع 21,25,24)
	- محلات فروشی که در آن باکارت بانک کارت بانکی تأدیه صورت می گیرد Point of Sale
216	کارت های پولی
56.373	- کارت بدهی
348	- کارت اعتباری
	منبع: تحلیلی وضعیت نظام بانکی، خبر انتر نتی د افغانستان بانک

مجموع دارائی هائی نظام بانکی افغانستان در سال 1390 بالغ بر 222,08 میلیارد (بلیون) گردید که در برابر سال 1389 یک رشد 15,88 در صد را نشان میدهد. در این رشد بانکهای دولتی به اندازه 52,22 %، نمایندگی های بانکهای خارجی به اندازه 24,15 % و گروپ بانکهای خصوصی به اندازه 7,49 % تخمین می گردد. در سال 1390 در جمله دارائی ها مبلغ 38,02 میلیارد افغانی و یا 17,12 است % قروض ناخالص (قروضی که خطر قرضه شامل است؟) نظام بانکی شامل است. این نوع قرضه در سال 1389 بالغ به 76,95 میلیارد افغانی بالغ شده است که به این طریق قروض ناخالص یک کاهش را در سال 1390 به اندازه 38,85 میلیارد افغانی و یا 50,59 % نشان میدهد.¹⁷ علت این کاهش عبارت از بحران کابل بانک و تقسیم کابل بانک به بانک قابل تصفیه (بانک بد) و نوی کابل بانک (بانک خوب) .

به اساس گزارش تحلیل وضعیت و عملکرد نظام بانکی ماه اسد 1389 مبالغ قروض داده شدگی نظام بانک تجارتی بالغ به 38,02 میلیارد افغانی بالغ گردید که سهم قرضه های رهنی و ساختمانی به 18,32 %، تجارت به 56,4 %، رهنی مسکونی انفرادی به 9,9 %، تولیدات صنعتی به 3,2 % و ساحه زراعت به 0,9 % می رسد. معمولاً در بانکهای تجارتی قرضه کوتاه مدت تجارتی معاملات عمده را تشکیل می دهد. این بانکها کمتر به اعطای قروض دراز مدت و سرمایه گذاری مبادرت می ورزند. از این رو در افغانستان هم جای تعجب نیست که بیشتر از 50 % حجم قرضه های اعطا شده را قرضه های تجارتی تشکیل می دهد. اینکه چرا قرضه های رهنی و ساختمانی و مسکونی در حدود 30 % قرضه های اعطاشده ئی بانکهای تجارتی کشور را می سازد، علت این است که منفعت محصولات ساختمانی (منازل، سرای ها و غیره ساختمان ها) طوری بلند است که مصارف ربح بلندتر قرضه های بانکهای تجارتی را به آسانی جبران کرده می تواند یا به عبارت دیگر حساسیت یا ارتجاعیت ربح رشته های تجارتی و تعمیراتی و ساختمانی به تناسب رشته ها زراعتی و صنعتی پائینتر است.

¹⁶ ر ک به بیلانس 31 ماه می 2008 کابل بانک و حساب بیلانس مفادو ضرر عزیزی بانک به همین تاریخ

¹⁷ تحلیل وضعیت و عملکردی نظام بانکی ماه اسد 1390 مطابق به اگست 2011: Summary Analysis of Condition of Banking System.

د پانو شمیره: له 8 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

نظر به گزارش سال 1390 د افغانستان بانک، امانات بانکهای تجارتي جمعاً به یک 158 ملیارد افغانی بالغ می شد که سهم امانات رویتی (حساب جاری) به 106,3 ملیارد، سهم امانات میعادى 14 ملیارد و سهم پس انداز 37,7 ملیارد افغانی می رسید. به مقایسه سال 1389 امانات بانکی به اندازه 2,9 ملیارد افغانی کاهش یافته است که علت آن بحران کابل بانک می باشد. سهم بانکهاى خصوصى در مجموع امانات به 62,6 ، بانکهای خارجی به 20,0% و بانکهای دولتی به 18,4% بالغ می شد.

2-2 انکشافات منفی

در انکشافات منفی بانکهاى تجارتي خصوصى (مثلاً کابل بانک) و دولتی (د پشنتی تجارتي بانک) عدم شایستگی بانک و کفایت اداری و سهل انگاری و غفلت د افغانستان بانک در قسمت نظارت بانکی، می باشد. در این قسمت صرف غفلت، سهل انگاری و عدم رعایت مقررات قوانین بانکداری د افغانستان بانک مطرح بحث قرار می گیرد و وظایف نظارت سیستم بانکی در مبحث بعدی مورد مطالعه قرار می گیرد.

د افغانستان بانک نتوانسته است در سالهای 1383 الی 1388 مکلفیت قانونی وظایف خود را طبق جزء 3 فقره (2) ماده هشتم قانون د افغانستان بانک « سالم بودن سیستم مالی، بخصوص سیستم بانکی و پرداخت ها در افغانستان » انجام دهد. علل اساسی خلاف رفتاری عدم رعایت فقرات (2) و (3) ماده سوم قانون د افغانستان بانک در قسمت خود مختاری و استقلال د افغانستان بانک از طرف دولت می باشد. به غرض معلومات خوانندگان گرامی پورتال وزین افغان جرمن آن لاین طور خاص فقره (2) و (3) ماده سوم نقل می شود: فقره (2) « د افغانستان بانک صلاحیت بازدید ادارات و بررسی حسابها، دفاتر، اسناد و سایر مدارک بانکها، صرافان اسعار خارجی مجریان سیستم پرداخت، عرضه کنندگان خدمات پولی، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان سیستم انتقال اسناد بهادار، و سایر اشخاص که جواز فعالیت را مطابق احکام این قانون بدست آورده از جانب د افغانستان بانک ثبت شده باشند، دارا بوده می تواند و اطلاعاتی را که در اجرای مکلفیت های نظارتی خود لازم بدانند از اشخاص مذکور بدست آورد ». فقره (3) « د افغانستان بانک به منظور تحقق اهداف خود مطابق احکام این قانون دارای استقلال کامل بوده هیچ کس نمیتواند اعضای هیأت تصمیم گیرنده د افغانستان بانک را در انجام وظایفی که به عهده دارند، تحت تأثیر ناجایز قرار داده و یا طور دیگر در فعالیت های د افغانستان بانک مداخله نماید ».

دولت جمهوری افغانستان در زمان حکومت آقای کرزی با تقرر اعضای رئیس کل ، معاون اول و هیأت عامل د افغانستان بانک اصول روابط را در برابر ضوابط و مطالبات قانونی مانند اهلیت، کفایت و شایستگی اعضای متذکره ترجیح داد. این حالت باعث شد تا اعضای متذکره نظر بعدم شایستگی و کفایت فنی و نظر به ترس از سهامداران زور دار کابل بانک و دپشنتی بانک وظایف نظارتی خود را طبق مقررات قانون د افغانستان بانک انجام دهند. این قلم در باره انواع خلاف رفتاری های کابل بانک، دپشنتی تجارت بانک و دافغانستان بانک در مقالاتی که در پورتال وزین افغان جرمنی آن لاین به نشر رسیده اند (غرض کسب معلومات مراجعه شو به آرشیف نویسندگان) و در کتاب درسی خود « علم اقتصاد تصدی بانکی، جلد سوم، سال 2013 کابل، تفصیلات بیشتر عرضه نموده است. در این جا به صورت خلاصه صرف از خلاف رفتاری های قانونی کابل بانک و دپشنتی تجارتي بانک اسم برده می شود:

اول- د کابل بانک : قرضه های بزرگ (خلاف قانون بانکداری افغانستان) به زورمندان مانند حسین فهیم (90 ملیون)، محمود کرزی، گلنهار سنتر، شرکت هوایی پامیر، شیرخان فرنود و غیره ، معاملات احتکاری و سرمایه گذاری در جاپاد های ثابت در دوبی، سهم ساختن زور مندان به حیث سهامداران کابل بانک با اعطای قرضه بانک و اعطای قرضه به شرکتهای نامعلوم و بی هویت.

دوم در دپشنتی تجارتي بانک: انتصاب رئیس عامل بی کفایت و نا شایسته خلاف فقره (2) ماده بیست و دوم افغانستان بانک، اعطای قرضه های پُر خطر و اعطای قرضه به شرکت های نامعلوم و بدون هویت.

خطا و سهل انگاری بزرگی را که دافغانستان بانک در سالم بودن سیستم مالی و توسعه خدمات بانکهای اختصاصی مرتکب شده است، عبارت از انحلال بانکهای اختصاصی مانند بانک انکشاف زراعتی، بانک انکشاف صنعتی، بانک انکشاف صادرات افغانستان و بانک رهنی و تعمیراتی می باشد (به این ارتباط مراجعه شود به مقاله این قلم تحت عنوان باز سازی مجدد بانک

د پانو شمیره: له 9 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

های انکشافی افغانستان که به تاریخ 20.09.2015 در پورتال وزین افغان جرمن آن لاین به نشر رسیده است). زیرا برای انکشاف و توسعه تولیدات صنعتی، انکشاف، توسعه، ترویج و میکانیزه ساختن زراعت موجودیت بانکهای انکشافی اختصاصی ضروریست تا زمینه سرمایه گذاری را در پروژه های که معمولاً صرف با تمویل دراز مدت و ربح پائینتر فراهم نمایند. اعطای قرضه دراز مدت و دارای ربح پائینتر خارج از قدرت و وظیفه بانکهای تجاری می باشد. این کوتاهی یعنی انحلال بانک های انکشافی باعث شد تا موسسات بین المللی که حاضر بودند به اندازه چهار صد میلیون دالر غرض تقویه مالی زارعین افغانستان آماده سازند، به علت نبود یک بانک اختصاصی از این امکان انکشافی استفاده شده نتوانست. هم چنین د افغانستان موفق نشد در قسمت تأسیس بانک های کوپراتیف زراعتی و وظیفه خود را انجام دهد.

2-3 سهل انگاری و وظایف نظارت بانکی

نظارت بانکی به معنی تفنیش بدون قید و شرط و توأم با مجازات مسؤلین نیست، بلکه اساساً به وسیله نظارت بانکی کوشش می شود تا از وقوع خطرات معاملاتی به شکل وقایعی (کنترول قبلی) جلوگیری شود و امکانات جبران خطرات بعد از وقوع آن (تفیش بعدی) مور دبحث و تدقیق قرار گیرد. نظارت نباید باعث سکتگی در جریان فعالیت خدماتی بانکی گردد. نظارت وقایعی اصلاحات ضروری را در جریان و روند معاملات بانکی، در تطبیق مقررات و ساختار اداری و آموزشی برای کارمندان عرضه میدارد. برای اینکه خطرات معاملات بانکی باعث ورشکستگی بانک نشود و حقوق دانتین و امانت گذاران از بین نرود، باید اقدامات لازمه برای کاهش خطرات متوقعه از طریق تقویه سرمایه شخصی و تشکیل ذخایر خطر اتخاذ شود.

الی وقوع بحران بانکی کابل بانک و دپشتنی تجاری بانک نه از جانب دافغانستان بانک اقدامات لازمه اتخاذ گردید و ضابطه های وقایعی تدوین شد و نه بانکها برای جبران خطرات معاملات بانکی توجه خاص انجام دادند. برای وضاحت بیشتر اولاً کاستی های وقایعی و بعداً سهل انگاری ها بی نظارتی غرض تلافی خطرات وارده مور د مطالعه قرار می گیرد :

(1) عدم وضاحت در مقرران قانون در افغانستان به ارتباط وظایف و صلاحیت های ناظر دافغانستان بانک: نظارت بانکی در اکثر ممالک قانوناً به یک مرجع کاملاً خاص و مستقل از بانک مرکز ی انتقال یافته است. زیرا وظیفه این مرجع مستقل نه تنها نظارت سیستم بانکهای معاملاتی می باشد بلکه فعالیت های پولی، سیاست پولی و انجام وظایف بانک مرکزی را هم مطابق به قوانین مربوطه، اصولنامه و لوایح داخلی کشور و مقررات مراقبتی و نظارتی موسسه بین المللی بازل (Basel) مورد نظارت قرار دهد. تمرکز وظایف پولی و بانکداری افغانستان بانک و نظارت سیستم بانکی به صورت کل (سیستم بانکداری، مالی و سیستم بانک مرکزی) طوری که در قانون بانکداری افغانستان و قانون د افغانستان بانک پیش بینی شده اند و قسمی که در عمل هم تثبیت شده است، در انجام وظایف متذکره نارسائی ها، کاستی ها و سهل انگاری بوجود آمده است که بحران بانکی (کابل بانک و دپشتنی تجاری بانک) شاهد آن می باشد. جزء 6 فقره (2) ماده دوم قانون دافغانستان بانک وظیفه نظارتی را در جمله وظایف اساسی آن بانک به حیث بانک مسؤل چنین توضیح می کند. « صدور یا ثبت جواز، تنظیم و نظارت بر بانکها، صرافان اسعار خارجی، عرضه کنندگان خدمات پولی، مجریان سیستم پرداخت، عرضه کنندگان اسناد بهادار، مجریان سیستم انتقال اسناد بهاداروسایر اشخاصی که دافغانستان بانک می تواند مطابق احکام قانون آنها را نظارت نماید. فقره (2) ماده سوم (طوری که قبلاً دیده شد) به دافغانستان بانک صلاحیت میدهد تا غرض اجرای وظیفه نظارتی از بانکهای معاملاتی و موسسات پولی معلومات و اطلاعات لازمه را بدست آورد.

درچوکات تشکیلات و سازماندهی دافغانستان بانک وضاحت کامل در باره موقف ناظر وجودندارد. چنانچه در باره تشکیلات و اداره دافغانستان بانک، ماده ششم فصل دوم حکم می کند که « د افغانستان بانک دارای شورای عالی (منحیث عالیترین مرجع تصمیم گیری و فقره (1) ماده هفتم فصل دوم قانون د افغانستان بانک آمده است: « د افغانستان بانک دارای شورای عالی (منحیث عالیترین مرجع تصمیم گیری و سیاست گذاری)، رئیس کل (منحیث مسؤل اداره د افغانستان بانک) ناظر کل (منحیث مسؤل بازرسی و بررسی داخلی عملیات د افغانستان بانک) و سایر کارکنان مربوط می باشد». طبق فقره (1) ماده هفتم فصل دوم « شورای عالی د افغانستان بانک مرکب از هفت عضو بشرح آتی می باشد. 1- رئیس کل د افغانستان بانک بحیث رئیس شورای عالی؛ 2- معاون اول د افغانستان بانک بحیث

د پانو شمیره: له 10 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

معاون شورای عالی؛ 3- پنج عضو دیگر». در این ماده از معاون اول افغانستان بانک بحیث معاون شورای عالی تذکر رفته است و اما از ناظر کل سخن رانده نشده است.

موضوع دیگری که قابل مکت می باشد این است که فهمیده شده نمی تواند آیا ناظر کل صرف مسؤل امور سیستم بانک مرکزی است و یا مسؤولیت نظارت سیستم بانکداری و موسسات مالی را هم به عهده دارد. در این باره فقرات (1) الی (4) ماده بیست و یکم قانون د افغانستان بانک که در ذیل اقتباس می شوند، هم معلوماتی مطلوب ارائه نمی کنند: ماده بیست و یکم، «فقره (1) شورای عالی، ناظر کل را که حسابدار مسلکی واجد شرایط باشد، برای یک دوره پنجساله از میان کاندیدانی که بر مبنای احکام مندرج فقره (2) ماده بیست و یکم این قانون فاقد شرایط خدمت شناخته نشده باشد، انتخاب می نماید...» ؛ «فقره (2) ناظر کل مسؤل شعبه بررسی د افغانستان بانک می باشد» ؛ «فقره (3) کارکنان شعبه بررسی به اساس پیشنهاد ناظر کل و منظوری رئیس کل د افغانستان بانک مقرر یا سبکدوش می گردند» ؛ «فقره (4) ناظر کل و شعبه بررسی دارای وظایف ذیل می باشند: 1- وضع و حفظ طرز العمل ها و حفظ اسناد مناسب جهت جلوگیری از خطرات احتمالی مالی د افغانستان بانک و نظارت بر تطبیق آنها، 2- بررسی متداوم اداره و فعالیت های د افغانستان بانک جهت نظارت بر رعایت قوانین و مقررات نافذ د افغانستان بانک، 3- بررسی گزارش ها و ارائه پیشنهادات به شورای عالی در باره حسابها، ریکارد ها، طرز العمل ها، کنترل های حسابداری و بودجه افغانستان بانک، 4- بررسی منظم و رسیدگی به صورت حساب های مالی و سایر اسناد مربوط د افغانستان بانک و صدور تصدیق نام در صورت صحت بودن آن، 5 - نظارت از اجرا و تطبیق سالم تصامیم شورای عالی و رئیس کل د افغانستان بانک، 6- انجام سایر و ظایف و مکلفیت ها ئی که از جانب شورای عالی و رئیس کل سپرده می می شود».

فقرات مندرجه قانون د افغانستان در هیچ یک فقرات قانون از وظیفه و صلاحیت ناظر کل در باره نظارت بانکها، صرافان و سایر موسسات تذکری نرفته است. هم چنان از خلال فصل هشتم که روابط د افغانستان را بانک با سایر بانک ها (موسسات مالی) تشریح می کند، هم نمی توان تثبیت کرد که ناظر کل مسؤل نظارت موسسات مالی می باشد و یاخیر؟

برای ثبوت این ادعا مواد هشتاد و سوم و نودم فصل هشتم در ذیل ارائه می شوند، ماده هشتاد و سوم: « د افغانستان بانک مسؤل صدور جواز و تنظیم امور بانک ها می باشد». ماده نودم: « د افغانستان بانک مسؤل ثبت ، صدور جواز ، تنظیم و نظارت بر عرضه کنندگان خدمات پولی را نظارت نموده و مکلفیت های آتی را بر آنها وضع نماید.» از جزئیات صرف نظرمی شود.

(2) سهل انگاری در تطبیق مقررات بانکی: به اساس فقره (1) ماده ششم قانون بانکداری افغانستان و ماده هشتاد و سوم قانون د افغانستان بانک یگانه مرجع صدور جواز بانکداری، د افغانستان بانک می باشد. شرایط صدور جواز نامه در مواد دوم، ششم، هشتم، دوازدهم، چهاردهم، هفدهم، بیستم، بیست و سوم، بیست و هفتم، سی و دوم، سی و ششم، سی و هشتم، چهل و چهارم و پنجاهم و پنجاه و یکم قانون بانکداری به تفصیل آمده است، که بدون تکمیل آن، د افغانستان بانک صلاحیت صدور جواز نامه را به بانکدار درخواست کننده ندارد. غرض طوالت موضوع از تبصره سایر مقررات مربوطه صرف نظر می شود، اما جزء 5 فقره (1) ماده دوازدهم قانون بانکداری را که برای ادامه فعالیت و مدیریت بانکداری دارای اهمیت می باشد، از نزدیک مطالعه می کنیم. طبق این جزء قانون بانکداری یکی از شرایط صدور جواز نامه بانکی "شایسته و مناسب بودن شخص حقیقی که دارای سهم استحقاق ذیصلاحیت در بانک می باشد و در صورتی که شخص حکمی باشد، شایسته و مناسب بودن مدیران آن می باشد". شایسته بودن و مناسب بودن کلماتی اند، که مخصوصاً از نگاه مدیریت در انجام معاملات بانکی دارای اهمیت اند. به اساس تجربه شخصی در امور بانکداری، کسانی که مدیریت بانک (در ساختار سازماندهی (Top , Middle, Lower Management) و یا طبقه فوقانی، مدیریت شعبات وسطی و مدیریت پایانی) ، مخصوصاً مدیر عمومی (رئیس عامل بانک) انتصاب می شوند، که مرتکب جرمی نشده باشند و دارای درجه تحصیلات عالی در رشته بانکداری (مثلاً اقلماً دارای درجه مافوق لیسانسه اکادمی بانکی) بوده و تجربه کافی در امور نظری و عملی بانکداری (مخصوصاً سپری کردن مدیریت های ادارات وسطی و پایانی بانکها و گذشتاندن موفقانه امتحانات سمنار های مسلکی اکادمی بانکداری) داشته باشند. مزید بر آن برای تعیین مدیران عمومی و رؤسای بانکها اجازه اتحادیه های بانکی و با بزرگ بودن بانکها اجازه مقامات نظارت بانکی ضروری می باشد. متأسفانه چنین خواسته ها و مطالبات مسلکی و آفاقی که باید از طرف مقام نظارتی د

د پانو شمیره: له 11 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

افغانستان بانک مورد بررسی قرار گیرد، در قانون بانکداری (گرچه در این اواخر تثبیت شایستگی اعضای هیأت مدیره بانکها توسط دافغانستان بانک به عمل می آید) به صورت واضح نیامده و توضیح نشده است. طوریکه در عمل دیده شده است، در تثبیت شایستگی مدیران کابل بانک آن وقت، دپشتنی تجارتي بانک و بانک ملی از طرف د افغانستان اهمال صورت گرفته است. روسای کابل بانک آن وقت اشخاصی بودند که در معاملات صرافی فعالیت داشتند، در مسایل بانکداری تجربه کافی و آموزش که برای یک مدیر (هیأت عامل) ضروری است و همیشه در صدد این بودند تا خلاف ارزش های اسلامی پس اندازهای واحد اقتصادی بنام حساب بخت جمع آوری نمایند و یک قسمت دارائی بانکی را در معاملات احتکاری بکار بردند. این موضوع در گزارش سال 1389 کمپنی Ferguson تذکر رفته است. این اشخاص خلاف مقررات قانون بانکداری قرضه های پُرخطر و بزرگ به سهامداران زورمند اعطا نمودند. عین موضوع به درقسمت تعیین رئیس دپشتنی تجارتي که تحت تعقیب می باشد، صدق می کند. این شخص هم به اساس ضوابط و شایستگی انتصاب نشده بود.

نتیجه گیری:

د افغانستان بانک جزئی از اجتماع افغانستان بوده و به حیث یک موسسه اقتصادی که ثبات ارزش افغانی، توسعه سالم بانکداری و تأمین جریان تأدیات در کشور از اهداف عمده آن می باشد، به صورت منزوی از اجتماع قابل تصور نیست. مشکلات موجوده سیاسی، اجتماعی (خاصاً موجودیت فساد اداری، ارتشا، و عدم امنیت) اقتصادی به نحوی از انحا بالای عملکرد و سیاست های پولی و بانکداری این موسسه (خاصاً در روابط کارمندان با یکدیگر، با آمرین و مدیران با بانکها و سایر موسسات مالی) تأثیر می کند. هر مدل تحول و باز نگری ممکنه در د افغانستان بانک بدون رعایت واقعیت های موجوده جنبه نظری داشته و امکان موفقیت آن کمتر می باشد. اما با آنهم باید کارشناسان و صاحب نظران شیکیبانی، صبر و امید را از دست نداده به تحقیقات و طرح نظریات و پیشنهاد هائی اصلاحی خویش ادامه دهند. شاید روزی این نظریات و پیشنهادات به درد دافغانستان بانک بخورد و غرض رفع مشکلات کشور عزیز مورد استفاد قرار گیرد. البته فراموش نباید کرد که به تمام مشکلات موجوده، مخصوصاً بعد از وقوع بحران بانکی یک سلسله اقدامات اصلاحی و وقایوی از طرف د افغانستان بانک به عمل آمده است، برای تعقیب اهداف قانونی آن دارای موثریت کمتر بوده اند. چنانچه از سال 1385 به این طرف توسط دافغانستان در حدود 13 لوایح که به حیث ضابطه های نظارتی باید مورد استفاده قرار می گرفت، تدوین شده اند¹⁸، این که تا کدام اندازه بررسی های نظارتی دافغانستان بانک از آن در اجرای وظایف خویش استفاده کرده و در حال حاضر می کنند، خارج از معلومات این قلم می باشد. این قلم به اساس پیشنهادات سابقه خود و با نظر داشت نظریات اصلاحی دانشمند محترم آقای امین یار نکات ذیل را به صورت مشخص غرض باز نگری دافغانستان بانک پیشنهاد می نمایم.

1- قانون بانکداری و قانون دافغانستان باید مورد باز نگری جدی قرار گرفته و مطابق به شرایط افغانستان و نه به اساس یک مدل وارد شده ای خالص و نظری اقتصاد بازار تغییر یابد. با افزودی مقررات جدید باید از خلای قانونی که تا حال باعث سوء استفاده و سهل انگاری شده اند، جلوی گیری شود. باید موقف ناظر کُل دافغانستان بانک در قسمت نظارت بانکها و موسسات مالی با ایزاد مواد لازمه، مسؤولیت ها، صلاحیت ها و وظایف موصوف و شعبات مربوطه آن جدیداً تعریف شود. ناظر کُل بانک نه تنها به حیث مسؤول نظارت خود دافغانستان بانک بلکه مسؤول نظارت بانکها و موسسات مالی (صرافی و سایر موسسات پولی) هم تعریف شود. ناظر کُل باید مانند رئیس کُل عضو شورای عالی از نگاه صلاحیت ها و رتبه دارای درجه مساوی بوده و معاون اول رئیس کُل در عین حال به حیث معاون ناظر کُل هم موظف گردد. ناظر کُل و رئیس کُل به پیشنهاد شورای عالی د افغانستان بانک و منظوری رئیس جمهور مقرر شود. رئیس کُل، ناظر کُل و معاون اول د افغانستان باید دارای درجه تحصیلات عالی، فنی و مسلکی بوده در انجام

¹⁸ قوانین و لوایح بانکی در افغانستان و اهداف آن در علم اقتصاد تصدی بانکی، جلد سوم از ص 278 به بعد و به:

وظایف محوله قادر به حفظ بی طرفی در مسایل سیاسی، گروهی، لسانی و قومی باشد. دولت باید در انتصاب اعضای شورای عالی د افغانستان بانک به استقلال و خود مختاری آن، طوریکه در قانون دافغانستان بانک دستور داده شده است، احترام بگذارد اهلیت، کفایتو شایستگی بر روابط ترجیح دهد.

2- مطالبات مقررات کمیته نظارتی بازل (بازل II و بازل III)¹⁹ و قواعد «حسابداری و حسابرسی برای موسسات مالی اسلامی»²⁰ در قسمت تقویه سرمایه شخص و حفظ سیالیت بانکهای تجارتي و سایر موسسات مالی و رعایت مطالبات CAMEL²¹ قبل از اعطای جواز معاملات بانکداری به حیث ضابطه های نظارتی شامل مقررات نظارتی قانون بانکداری شود.

3- د افغانستان بانک باید برای حفظ و تأمین ثبات قیمت های داخلی و حمایه سیاست کلی اقتصادی دولت (استخدام کامل، رشد دوامدار و تعادل بیلان تأدیات) باید زمینه سرمایه گذاری را در رشته های صنعت، زراعت، معادن، حمل و نقل و خدمات از طریق بانک های انکشافی که قادر به دادن قرضه های مساعد و ارزان میسر سازد و در تأسیس کوپراتیف های زراعتی و محصولات روستائی که مواد و سایل کار مورد ضرورت اعضا را به قیمت های مناسب تهیه، ضرورت و نیازمندی های مالی را به شرایط مساعد تموی و بازار یابی و فروش محصولات را به کیفیت بهتر عرضه دارند، اقدامات معاونتی را انجام دهد. به این طریق میتوان محصولات داخلی رشد و انکشاف داد و کسر بیلانس تجارت را کاهش داد.

4- د افغانستان باید برای تطبیق اقدامات مناسبتر سیاست پولی و بکار انداختن موثر ابزار سیاست پولی احصائیه ومعلومات لازمه را در باره انتقالات پولی بداخل و خارج افغانستان، اجزای پول داخل دوران و محصولات ناخالص اجتماعی کشور به صورت موثق و دوامدار تهیه کند. به این طریق می توان از سیاست های پولی طور موثر تر استفاده نمود. ومن التوفیق

پایان

¹⁹) Basel Committee on Banking Supervision

²⁰) Accounting and Auditing Organisation for Islamic Financial Institution (AAOIFF)

²¹) CAMEL = Capital Adequacy, Asset Quality, Management Ability, Earning and Asset/Liability

مطابقت سرمایه، توانائی و ظرفیت دارائی ها، قدرت حاصلات و عواید و تناسب معقول دارائی ها و دیون

د پانوی شمیره: له 13 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ